

انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان

۲۰۰

# مقایسه و مقابله کلمات قصار طنز آمیز

در فارسی و انگلیسی

محمد علی مختاری اردکانی

مختاری اردکانی، محمدعلی، ۱۳۲۳ -  
مقایسه و مقابله کلمات قصار طنزآمیز در فارسی و انگلیسی / محمدعلی  
مختاری اردکانی. - کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۸۴.  
۲۰۷ ص. - (انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۲۰۰۰)

ISBN 964-6336-90-6

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. ۱۶۷

۱. کلمات قصار - انگلیسی. ۲. کلمات قصار - فارسی. ۲. ضرب‌المثل‌های  
انگلیسی. ۴. ضرب‌المثل‌های فارسی. الف. دانشگاه شهید باهنر (کرمان). ب. عنوان.

PN ۶۰۸۱/م۳ ۸۰۸/۸۸۲

م ۸۴-۲۰۸۶۴

کتابخانه ملی ایران

مقایسه و مقابله کلمات قصار طنزآمیز در فارسی و انگلیسی

مؤلف: محمدعلی مختاری اردکانی

ناشر: انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان

نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۴

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی و چاپ: چاپخانه فرشیوه

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۶۴-۶۳۳۶-۹۰-۶

ISBN: 964-6336-90-6

کلیه حقوق برای دانشگاه شهید باهنر کرمان محفوظ است.

## فهرست مندرجات

چکیده.....	۹
پیشگفتار.....	۱۱-۱۲
مقدمه.....	۱۳-۲۳
مقایسه و مقابله کلمات قصار طنزآمیز.....	۲۵-۱۶۴
استدراکات و استنتاجات.....	۱۶۵
منابع.....	۱۶۷
موضوع نامه فارسی.....	۱۶۹-۱۸۷
موضوع نامه انگلیسی.....	۱۸۹-۲۰۴
چکیده انگلیسی.....	۲۰۵

## چکیده

گرچه سایپر و ورف (Sapir and Whorf) بر این باورند که «طبقه‌بندی ذهنی ما از جهان (کلاً و جزاً) از ساخت زبان بومی خودمان»<sup>(۱)</sup> نشأت می‌گیرد مع‌ذلک ترجمه‌های موفق، همگانی‌های زبانی را به زبان نظریه‌سایپرو و ورف ابرام کرده است. رساله حاضر تأییدی است بر وجود همگانی‌های زبانی و فرهنگی.

این رساله مقایسه و مقابله کلمات قصار طنزآمیز فارسی و عمدتاً اروپایی به زبان انگلیسی - و نا حدودی عربی - را وجهه همت خود قرار داده است.

مقدمه به تعریف افوریسم و وجوه تمایز آن با ضرب‌المثل و مقولات مربوطه می‌پردازد و بعد وجوه مشابهت افوریسم در این دو زبان را تحت پانزده مقوله - تضمین، گروتسک، استعاره عنادیه، تناقض صوری، نیم‌گفته، تلمیح، تعریف، طباق، تشبیه، استعاره، تهکم، جناس، تلویح، نقیضه و ایهام - بررسی می‌کند و مثال‌هایی از هر دو زبان به دست می‌دهد.

بعد متن اصلی کتاب به صورت الفبایی برحسب نام قصارگویان با معادل‌های فارسی به دنبال می‌آید.

در پایان کتاب استدراکات و استنتاجات در ده بند آمده است.

---

1- David Crystal, *A Dictionary of Linguistics and Phonetics* (2nd Ed. U.K, Blackwell and André Deutsch). 1988.

## پیشگفتار

تاکنون فرهنگ‌های دو زبانه و چند زبانه ضرب‌المثل‌ها در ایران به چاپ رسیده است، اما تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد اثری که aphorisms (کلمات قصار طنزآمیز) عمدتاً اروپایی (به زبان انگلیسی) را مقایسه و مقابله کند موجود نیست. رساله حاضر این مهم را وجهه همت خود قرار داده است و به سؤالات ذیل پاسخ می‌دهد:

- ۱- aphorism چیست؟ چه تفاوت‌هایی با سایر کلمات قصار نظیر ضرب‌المثل و شعار دارد؟ تعریف افوریست‌ها (aphorists) از آن کدامست؟
- ۲- آیا می‌توان معادل‌هایی برای افوریسم‌های اروپایی یافت؟
- ۳- تا چه حد قابل معادل‌یابی هستند؟
- ۴- تا چه میزان می‌توان آنها را با ضرب‌المثل‌های عربی و فارسی معادل‌یابی کرد؟
- ۵- چه تفاوت‌های صوری و محتوایی بین کلمات قصار طنزآمیز اروپایی و فارسی و عربی وجود دارد؟
- ۶- آیا این درصد نسبتاً بالای تطابق افوریسم‌ها aphorisms دلیلیست بر همگانی‌های زبانی و فرهنگی؟

### فرضیه‌ها

- ۱- کلمات قصار طنزآمیز اروپایی را می‌توان به نحو مطلوب معادل‌یابی کرد.
- ۲- برای کلمات قصار طنزآمیز اروپایی که معادل مطلق ندارند می‌توان معادل‌های نسبی از میان ضرب‌المثل‌های فارسی و عربی جست.
- ۳- افوریسم‌های فارسی عموماً کوتاه‌تر از افوریسم‌های اروپاییست.
- ۴- افوریسم‌های فارسی بیشتر به صورت نظم است و افوریسم‌های اروپایی بیشتر به صورت نثر. در مقام مقایسه میان افوریسم‌های فارسی و افوریسم‌های عربی، دومی بیشتر به صورت جملات منثور و موجز و خوش ساخت است.
- ۵- افوریسم‌های فارسی بیشتر به صورت مفهومی است و افوریسم‌های اروپایی بیشتر به صورت مصداقی.
- ۶- درصد نسبتاً بالای تطابق افوریسم‌ها تأییدی است، بر همگانی‌های زبانی و فرهنگی.

در اینجا باید متذکر شد که بین زبان‌شناسان اختلاف است. عده‌ای به سرکردگی سایپرو ورف (Sapir) تحت عنوان Whorf linguistic relativity (نسبیت زبانی) linguistic determinism (جبر زبانی) فرهنگ و تفکر را تابع زبان می‌دانند و عده‌ای زبان را تابع تفکر و فرهنگ. آیا زبان جهان‌بینی فرهنگی را شکل می‌دهد یا زبان جهان‌بینی را منعکس می‌سازد؟<sup>(۱)</sup> شاید راه میانه به صواب نزدیکتر

باشد، و بتوان گفت که «فرهنگ فی الواقع جزء مکمل تعامل بین زبان و تفکر است. الگوهای فرهنگی، عادات و راه رسم زندگی با زبان بیان می‌شود و دیدگاه‌های خاص فرهنگی در زبان منعکس می‌گردد.»<sup>(۱)</sup> از طریق زبان و فرهنگ بعضی از خصائص همگانی ما را در یک جهان متحد می‌سازند.<sup>(۲)</sup>

از آنجایی که رشته تحصیلی نگارنده ادبیات است، این همگانی‌ها را در پانزده پیرایه ادبی با ذکر شواهد در مقدمه رساله نشان داده است.

#### محدودیت‌ها و شیوه کار

کسانی که از نزدیک دستی بر آتش دارند می‌دانند که، به علت فقدان فرهنگ‌های موضوعی مربوطه در ایران، برابری افورسیم‌ها چقدر طاقت‌فرسا و فرصت‌سوز است. چون این کار باید به صورت موردی و فیزیکی انجام شود. نگارنده برای برابری، مجبور شده است کتب کلمات قصار، ضرب‌المثل و غیر آن را که احتمال یافتن معادل می‌داده مطالعه کرده و فیش‌برداری نموده و بعد با افورسیم‌های انگلیسی تطبیق دهد.

گاهی به شباهت‌های واقعاً اعجاب‌آوری برخورد کرده‌ام که گمان نمی‌برده اصلاً معادلی در زبان فارسی برای آنها وجود داشته باشد مثل:

روباه گرگی است که سبد گل می‌فرستد. انگلیسی

روباه تا ته چاه است کرباس خیر می‌کند. فارسی

در بعضی موارد معادل صد درصد یافت نشده است. یعنی معادل فارسی نیم یا یک و نیم برابر معادل انگلیسی بوده است. آن‌جا که یک و نیم برابر بوده، قسمت اضافی، در صورت عدم اختلال در معنی، حذف شده است.

آنجا که نیم برابر افورسیم انگلیسی بوده، با دو افورسیم فارسی این نقیصه جبران شده است. در برخی جاها در زبان فارسی صرفاً مخالف یا متضاد افورسیم انگلیسی موجود بوده که این موضوع با ذکر کلمه مخالف تصریح شده است.

درباره‌ای موارد قحط و کمبود چشمگیری موجود بوده مثل مفاهیم جدید که ناگزیر معادل کلی واحدی در برابر چند مدخل آورده شده است. در برخی موارد، بالعکس به وفور معادل موجود بوده که چند معادل در برابر مدخل واحد، آورده‌ایم.

کلیه افورسیم‌های انگلیسی از کتاب Jonathon Green اخذ شده که مشخصات آن در منابع خارجی آمده است.

به عون‌الله تعالی

محمدعلی مختاری اردکانی

افوریسم (aphorism) از ریشه apo (از) و horizein (محدود کردن) یونانی به معنی تعریف می‌آید که بسیار به تعریفات عیب‌زا کانی نزدیک است. اولین کسی که این واژه را در *Aphorisms* خود به کار برد بقراط حکیم بود.<sup>(۱)</sup>

*Aphorisms* بقراط سیاه بلند بالایی از آرا (propositions) در مورد عوارض و علائم امراض بود. بعداً این واژه در فرضیه‌های علوم فیزیکی و مآلاً در علوم به طور عام به کار رفت.<sup>(۲)</sup>

در قرون هفده و هجده، افوریسم به نثر غیر تخیلی موجز اطلاق می‌شد. پاسکال، لروشفوکو (La Rochefoucauld) و لبرویر (La Bruyère) جزء قصار نویسان شاخص قرن هجدهم هستند که از آثار آنها فراوان نقل کرده‌اند.<sup>(۳)</sup>

رنه شار (René Char 1907-) افوریسم را وسیله «خرد کردن زبان (language pulverising)»<sup>(۴)</sup> می‌داند. «یعنی باعث می‌شود کلمات منفرد یا گروهی از لغات از قید بدیع و ضرورت وضوح رهایی یابند و به صورت صخره‌های یک مجمع‌الجزایر مغروق در آیند»<sup>(۵)</sup>

افوریسم خلاصه کردن تجربه زندگیست به صورت گفته‌ای کوتاه، خوش ساخت و طنزآمیز، افوریسم به شنونده یا خواننده القاء می‌کند که از زندگی معمولاً توقع زیادی نداشته باشد. افوریسم توازنی بین ژرفا و صلابت مجتوی و برجستگی و رندی صورت ایجاد می‌کند. اظهار نظر کج و کوله و رندانه‌ایست در مورد حقیقت زندگی به اختصار مثل ضرب‌المثل شعار و پند می‌دهد اما رندی و زیرکی و خلاقیت آن بیشتر است. گوینده ضرب‌المثل شناخته نیست در صورتی که گوینده افوریسم مشخص است. ضرب‌المثل از فرهنگ عامه سرچشمه می‌گیرد و افوریسم از فرهنگ خواص و نخبگان. معمولاً هدف ضرب‌المثل آموزش اخلاقیات است در صورتی که هدف افوریسم الزاماً اخلاقی نیست اگر هم باشد به صورت منفی، طعنه‌آمیز و وارونه است.<sup>(۶)</sup>

افوریسم گفتار موجز و پر مغز است که از خصائص بارز آن تصویر یا منطق چشمگیر و بارز است. اغلب با ضرب‌المثل و شعار مشتبه می‌شود. ضرب‌المثل حاصل عقل و فرزنگی سستی است و حال آن که افوریسم بیان بکری از بصیرت غیرسستی و نامتعارف گوینده‌ای خاص است. در حالی که ضرب‌المثل بیانگر ارزش‌های بنیادین یک جامعه است، افوریسم پژوهاک نقطه نظر شخصی افرادی خاص می‌باشد. ضرب‌المثل معمولاً مورد قبول عام است، در صورتی که افوریسم در بادی امر تکان دهنده است. افوریسم ملک طلق گوینده‌ای خاص است، در صورتی که ضرب‌المثل جزء مالکیت عام است. افوریسم‌های مکرر ممکن است به مرور زمان جزء اعتقادات پیروان یک گوینده در آیند اما مع‌ذلک نشانگر طرز فکری می‌باشند که آن گروه خاص را متمایز می‌سازد.<sup>(۸)</sup>

اکنون تعاریفی از افوریسم از نویسندگان گوناگون می‌آوریم:

جیمز الکساندر تام (J. A. Thom)

«گفته‌ای موجز و رندانه که به فکر نمی‌رسد مگر آنکه خیلی دیر شده باشد.»

ماریا جوتونی (M. Jotuni) افوریست فنلاندی

«افوریسم نباید تفکر باشد. می‌تواند راهی برای کیفیت کردن تو باشد و ادامه لالائی‌ها.»  
کارل کراس [K. Kraus] «افوریسم هرگز با حقیقت تطبیق نمی‌کند. یا نصف حقیقت است یا یک  
و نیم برابر حقیقت.»

مارکو انوال (Markku Envall) قصارگوی فنلاندی

«افوریسم نباید حقیقت باشد بلکه خوب است حقیقتکی در آن باشد.»  
سامنول جانسون (S. Johnson) «برتری افوریسم بیان احساسات نادر و پیچیده نیست بلکه درک  
حقیقت نافی است به صورتی موجز.»

فردریک نیچه [F. Nietzsche] «افوریسم خوب، سختر از آن است که بتوان با دندان عصر و  
زمان آن را شکست و باگذشت قرون و اعصار نمی‌فرساید، گر چه نمک هر کلامی است.»  
هلنا آناهوا [H. Anhava] شاعر و قصارگوی فنلاندی

«افوریسم مثل شعر خود جوش است نمی‌شود همینطوری نشست و افوریسم گفت.»  
ویلیام جوکینن [W. Jokinen] افوریسم خود همیشه حقیقت نیست بلکه تفکر قصارگویان در  
مورد حقیقت است.»

آرمو هورمیا [Armo Hornia] قصارگوی فنلاندی

«متفکر و خواننده متفقاً خالق افوریسم هستند.»

ارنوپاسیلینا [Erno Passilinna] قصارگوی فنلاندی

«افوریسم راهبی است در میان جملات، حرامزاده یا لغوز، موجودی کلاً غیر اجتماعی که زندگی  
کردن با آن مشکل است.»<sup>(۹)</sup>

بعضی افوریسم‌ها یا بسیار به «نقیضه تضمین» به قول مرحوم اخوان نزدیک هستند یا خود آن  
هستند. یعنی تضمین کلمات قصار معروف در امور جدی و در امور غیر جدی به قصد هزل یا طنز  
بالاخص در نقل «کلمات معروف در زهد و پاکی به نقیضه‌هایی در رندی و بی‌پروایی، یا نقل ایمانیات  
به موضوع کفریات یا استفاده و استخدام سخنان مشهور پرهیزکارانه و کلمات قصار پندآمیز متقیان و  
اصحاب تقوی و پرهیز، برای موضوع ضد آن در معانی فلاشی و تردامنی و بی‌پاکی و قس علیهذا که  
خواننده و شنونده آشنا به کلام از تضاد معنی اصل با محل ثانوی آن در نقیضه، پدر سوخته‌وار لذت  
لوندانه و شیطنت‌آمیزی می‌برد یا اگر خیلی جدی و خشک باشد خشمگین می‌شود و از کوره در  
می‌رود و این خشم و خوشی طبعاً هر چه بیشتر باشد، نشانه آنست که توفیق‌گوینده نقیضه بیشتر  
است.»<sup>(۱۰)</sup>

طرفه این که در عین حالی که به افوریسم اعتقاد نداریم از آن لذت می‌بریم. از بارقه بصیرتی که در  
مورد موضوع مهمی جواب کاملی به ما می‌دهد محظوظ می‌شویم. تناقض افوریسم در اینجاست.  
افوریسم دارای چهار خصیصه است:

۱- مثل ضرب‌المثل متناقض است (دوری و دوستی، از دل برود هر آنچه از دیده برفت.)



- اگر اپیکتوس (Epictetus)، پاسکال و نیچه تفکرات خود را به صورت نظام‌مند و بلاتناقض بیان کرده بودند، آثارشان از خاطره‌ها می‌رفت.
- ۲- تأثیرگذار است. در چند کلمه یا حداکثر چند جمله می‌تواند بیش از یک رمان اجتماعی سه جلدی متظاهران را رسوا کند.
- ۳- بدیع (fresh) نامعمول (unconventional)، نامتعارف (eccentric) و خاص (particular) است.
- ۴- الزاماً اخلاقی نیست.

افوریسم خاص فرهنگ و ادب غرب نیست. سوی آثار عبید زاکانی که منبع منحصر به فردی در این زمینه است، در آثار دیگر شعرا و نویسندگان، به صورت پراکنده به افوریسم‌هایی بر می‌خوریم.

اینها الناس روز بسی شرمی است      نوبت شوخی و کم آزر می است  
 عادت و رسم روزگار بد است      خاصه با آن که خاصه خرد است  
 جز به رندی و جز به کلاشی      خرم و شادمان تو کی باشی؟  
 (حدیقه سنائی)<sup>(۱۱)</sup>

دولت اکنون زامن و عدل جد است      هر که ظالم تر است مُلک آور است  
 (سنائی)<sup>(۱۲)</sup>

قوادی به از قاضیگریست      (تاریخ بیهقی)<sup>(۱۳)</sup>

ای خواجه مکن تا بتوانی طلب علم      کاندل طلب راتب هر روزه بمانی  
 رو مسخرگی پیشه کن و مطربی آموز      تا داد خود از کهنتر و مهتر بستانی  
 انوری<sup>(۱۴)</sup>

سعدیا عشق نیامزد و عفت با هم      نتوان کرد نهان صورتِ دهل زیرِ گلیم

جهان دیده بسیار گوید دروغ      (سعدی)

زن جوان را اگر تبری به پهلو نشیند به که پیری      (سعدی)

فقیه مدرسه دی مست بود و فتوی داد      که می حرام ولی به ز مال اوقاف است<sup>(۱۵)</sup>

(حافظ)

کسان دیگری که در آثار آنها می‌توان افوریسم‌هایی سراغ کرد عبارتند از ابوالعلاء معری، عطار، ابواسحق، صائب تبریزی، میرزا حبیب خراسانی، ابوالحسن میرزا شیخ‌الرئیس، قائم‌مقام، یغمای جندقی، رستم الحکما، شیخ محمد حسن قارانی ملقب به پیغمبر دزدان، میرزا قاسم معروف به حکیم قاسم کرمانی صاحب خارستان، ادیب نیشابوری، میرزا آقاخان کرمانی، ایرج میرزا، محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، ملک‌الشعرا یه‌ار، دهخدا، سید اشرف‌الدین رشتی، صادق هدایت، محمدعلی افراشته و فریدون توللی.<sup>(۱۶)</sup>

با بررسی افوریسم‌های فارسی و اروپایی به همگانی‌هایی بر می‌خوریم. این همگانی‌ها عبارتند از

صنایع لفظی و معنوی مشابه که آنها را در زیر بر می‌شماریم و برای هر کدام نمونه‌هایی می‌آوریم. باید توجه داشت که بعضی از شواهد متضمن دو یا چند آرایه لفظی یا معنویست که بر حسب مورد آنها را مؤکد کرده‌ایم. البته باکاوش بیشتر می‌توان به همگانی‌های بیشتری دست یافت.

(simile)	۹- تشبیه	(quotation)	۱- تضمین
(metaphor)	۱۰- استعاره	(grotesque)	۲- گروتسک
(irony)	۱۱- تهکم	(oxymoron)	۳- استعاره عنادیه
(pun)	۱۲- جناس	(paradox)	۴- تناقض صوری
(implication /indirection)	۱۳- تلویح	(understatement)	۵- نیم‌گفته
(parody)	۱۴- نقیضه	(allusion)	۶- تلمیح
(amphiboly)	۱۵- ایهام	(definition)	۷- تعریف
		(antithesis)	۸- طباق

#### ۱- تضمین (quotation)

عبارتست از نقل گفته‌ای یا نوشته‌ای مشهور با تغییر یا ذیل. این مقوله به صورت استقبال، بدرقه، مجاببات و تزریق در زبان فارسی فراوان است.

#### مثال از منابع غربی

"To Know all is" not

"To forgive all"

It is to despise all.

(نقل گفته‌ای مشهور با تغییر و ذیل)

"It is always the best policy

to tell the truth" unless, of

course you are an exceptionally good liar.

(هر دو از عبید که از شعر ظهیر فاریابی تضمین کرده است)<sup>(۱۷)</sup>

Most women are not as young as they are painted.

که اصل آن چنین بوده است:

The devil is not as black as he is painted.<sup>(۱۸)</sup>

#### ۲- گروتسک (grotesque):

منظور از گروتسک ترکیب ناساز طنز، ترس و اشمئزاز است. وقتی می‌بینیم تابوها و محرمات را به

مسخره می‌گیرند و لحظه‌ای از قید و بند می‌رهیم، لذت می‌بریم.<sup>(۱۹)</sup>

حلالند حوران سیمین بدن

چه مادر چه دختر چه خواهر چه زن

در میان همه انحرافات جنسی، پاکدامنی از همه نادرتر است.<sup>(۲۰)</sup>

لوطواقبل ان ملوطوا<sup>(۲۱)</sup>

گفت مال پدر توست مکن، گفت مجرم

کار را باش، مال پدر از اولاد است.<sup>(۲۲)</sup>

(بغمای جندقی)

۳- استعاره عنادیه (oxymoron):

این صنعت به کار بردن کلمات و معانی ناساز و به ظاهر متناقض متوالی است.

That's what show business is : *sincere*

*insincerity*

(شو تلویزیونی چیزی جز ریاکاری بی‌ریا نیست)

منم پیغمبر دزدان و همجو امت خود

خوشم که روسپهی دل سفیدم و حسَم<sup>(۲۳)</sup>

سیاستمدار خوب مثل دزد درستکار، غیر قابل تصور است.

Sincere diplomacy is no more possible

than *dry water* or *wooden iron*<sup>(۲۴)</sup>

۴- تناقض صوری (paradox):

جمله‌ای که به ظاهر باطل و متناقض نماید اما در باطن حقیقتی راه‌نژتر بیان کند.

ساقیا زاهد بیچاره بود مست غرور

بدهش جرعه‌ای از باده که هشیار شود<sup>(۲۵)</sup>

(صفای نراقی)

گذشته تنها لاشه‌ایست که بوی مطبوع دارد.

از تاریخ می‌آموزیم (آنچه) که از تاریخ نمی‌آموزیم.

خوشم که هیچکس از من دگر نشان ندهد.

بکوی عشق، نشان به ز بی نشانی نیست.<sup>(۲۶)</sup>

آخرین خیال باطل اینست که آدم دست از خیال‌های

باطل کشیده است.

اگر از تنهایی می‌ترسی ازدواج مکن.<sup>(۲۷)</sup>

منطق، هنر اشتباه کردن با اطمینان است.

۵- نیم گفته (*understatement*):

نیم گفته یا اغراق منفی و آن معانی بزرگ را خرد جلوه دادن است.

شب فریاد کمکمک مکش ممکن است همسایه‌ها را بیدار  
کنی. (۲۸)

خود را تا ضرورت نباشد در چاه میفکنید، تا سر و پای مجروح نشود.  
(عبید)

۶- تلمیح (*allusion*):

همانطور که در مقدمه گفتیم بعضی افوریسم‌ها مبتنی بر مشاهیر کلمات برای امور و بیانات جدی  
است که در آنها دستکاری یابه قول اخوان «دفرماسیون» انجام گرفته است.  
به عبارت دیگر تلمیح جز لاینفک بعضی از انواع افوریسم‌هاست.  
ندزدد تا پدر گندم پسر کی دزد جو گردد؟  
در اول آدم و حوا شدند این راه را رهبر (۲۹)

هر بسوی بد که با تهویه می‌جنگد، فکر می‌کند که  
دن کیشوت است. (۳۸)

کای سجاجم ز روی طبع کنیز  
بو میلیم مرا به طوع غلام  
(سجاج و بو میلیم، زوجی که در خلافت ابوبکر بر اسلام شوریدند). (۳۱)

۷- تعریف (*definition*):

نمونه‌های تعریف در زبان فارسی به برکت رساله تعریفات عبید فراوان است.

Wedding: A necessary formality

before securing a divorce.

(عروسی: تشریفات لازم قبل از تقاضای طلاق)

رمضان: هادم المذات.

شب عبید: لیلة القدر.

وعظ: آنچه بگویند و نکنند.

Peace: a period of cheating between two periods of fighting.

(صلح: دوره افعال بین دو دوره جنگ). (۳۲)

۸- طباق (*antithesis*):

به کار بردن کلمات متضاد است در نظم یا نثر.

تاریخ حقایقی است که سرانجام افسانه می‌شود.  
 افسانه دروغ‌هایی که مآلاً تاریخ.  
 گرایش علم مدرن تبدیل برهان به مهمل است با تبدیل  
 مداوم مهمل به برهان.

حبذا منصب فرماقی  
 صبح دولت، شب فرماقی. (۳۴)

خوبی، بدیست که کسی مرتکب نشده است.  
 آنچه همیشه از کشور، دوزخ روی زمین ساخته است  
 این بوده که اتسان تلاش کرده از آن بهشتی برای خود  
 بسازد. (۳۵)

#### ۹- تشبیه (Simile):

مانند کردن دو چیز است با ادات تشبیه.  
 یک مرید گول به از صد ده شش‌دانگ است. (۳۶)  
 صداقت به منزله تیر حمال در خانه کاغذیست.  
 سیاستمدار خوب مثل دزد درستکار غیر قابل تصور  
 است. (۳۷)

در امانت عدیل برصیصا  
 در دیانت مرادف بلعام  
 (برصیصا راهبی از بنی اسرائیل که فریفته زنی شد و با او در آمیخت و او را بکشت.  
 بلعام پیشگویی که از طرف بلک [Balak] پادشاه موآب مأمور گردید اسرائیلیان را لعنت کند. اما  
 فرشته‌ای شمشیر بدست بر او ظاهر شد و او رأی بگردانید و بنی اسرائیل را تبرک کرد.)

#### ۱۰- استعاره (metaphor):

استعاره تشبیهی است که یکی از دو طرف تشبیه را ذکر و طرف دیگر را اراده کرده باشند. (استاد  
 همائی)  
 تا شود قبرش زیارتگاه ارباب ریا  
 خویش را زاهد بزیر گنبد دستار کشت. (۳۹)  
 (غنی کشمیری)

An editor is one who separates the *wheat*  
 from the *chaff* and prints the *chaff*.

(ویراستار کسی است که گندم را از کاه جدا می‌کند و کاه را چاپ می‌کند.)

## پی‌نوشت‌ها

1- Encyclopedia Americana, 1972.

۲- همانجا.

۳- همانجا.

۴- همانجا.

۵- همانجا.

۶- همانجا.

7- R. C. Pooley et al. (1963). *England in Literature*, (U.S.A., Scott, Foresman and Company), pp. 706-7.

8- Mahlon H. Smith, *A Synoptic Gospels Primer Glossary : Aphorism* [http:// religion.rutgers.edu/ntprimer/aphor.html](http://religion.rutgers.edu/ntprimer/aphor.html).

9- Anyara — aphorisms : Quotations on aphorisms [http:// Koti mbnet. fi / neptunia/aphorism. htm](http://Koti.mbnet.fi/neptunia/aphorism.htm).

۱۰- مهدی اخوان ثالث (م. امید) (۱۳۷۴) نقیضه و نقیصه‌سازان، به کوشش ولی‌الله درویدیان (تهران، انتشارات زمستان)، صص ۶۳-۱۶۲

۱۱- علی‌اصغر حلبی (۱۳۶۴) طنز و شوخ طبعی در ایران (تهران، انتشارات بیک) ص ۴۹

۱۲- همانجا، ص ۸۹

۱۳- همانجا، ص ۷۸

۱۴- همانجا، ص ۴۹

۱۵- عزیزالله کاسب (ب.ث) زمینه‌های طنز و هجا: بخش اول، گفتار در طنز و هزل در شعر فارسی (تفت یزد، ب. ن. ن.)، ص ۷۲

۱۶- همانجا، صص ۶۷-۶۱

۱۷- به نقل از اخوان ثالث، ص ۱۱۷

16- Jonathon Green (1984) *The Cynic's Lexicon : A Dictionary of Amoral Advice* (London. Routledge & Kegan Paul Plc).

۱۸- غلامرضا امامی (۱۳۶۹)، گروتسک در ادبیات از فیلیپ تامپسون (شیراز، نشر شیوا)، ص ۹۵

۱۹- گرین.

۲۰- شیخ محمد حسن قارانی (۱۳۵۶)، نامه‌های پیغمبر دزدان به اهتمام باستانی پاریزی (تهران، انتشارات امیرکبیر)، ص ۲۵۴

۲۱- کاسب، ص ۱۷۰

۲۲- قارانی، ص ۱۲۹

۲۳- گرین.

۲۴- کاسب، ص ۷۵

- ۲۵- میرزا ابوالقاسم عارف قزوینی (۱۳۵۷)، دیوان به اهتمام سیف آزاد (تهران، انتشارات جاویدان)، ص ۶۳
- ۲۶- گرین.
- ۲۷- همانجا.
- ۲۸- فارانی، ص ۱۳۴
- ۲۹- گرین.
- ۳۰- فارانی، ص ۱۵۷
- ۳۱- عبیدالله زاکانی (ب.ت)، کلیات عبید زاکانی (تهران، انتشارات طلوع)، ص ۲۴
- ۳۲- گرین.
- ۳۳- کاسب، ص ۱۷۱
- ۳۴- گرین.
- ۳۶- فارانی، ص ۵۷۳
- ۳۷- گرین.
- ۳۸- همانجا، ص ۱۵۹
- ۳۹- کاسب، ص ۷۶
- ۴۰- همانجا، ص ۱۵۹
- ۴۱- گرین.
- ۴۲- اخوان ثالث، ص ۱۱۷
- ۴۳- فارانی، ص ۱۳۸
- ۴۴- گرین.
- ۴۵- اخوان ثالث، ص ۸۸
- ۴۶- گرین.
- ۴۷- همانجا، ص ۱۶۴
- ۴۸- گرین.
- ۴۹- کاسب، ص ۷۲
- ۵۰- گرین.
- ۵۱- لطف‌الله کریمی (۱۳۷۲) بررسی تطبیقی اصطلاحات ادبی انگلیسی فارسی (تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجلد)، ص ۲۸